

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه دهم)

مقدمه

در جلسه‌ی گذشته به این فراز دعا رسیدیم: «وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ...»؛ علم خدا چگونه است؟ در مثالی ساده می‌توان گفت که علم ما مانند فردی است که از پنجره بیرون را تماشا می‌کند در حالی که گله‌ی گوسفند در حال عبور از جلوی پنجره است؛ اما علم خدا مانند علم فردی است که روی بام نشسته و بر کل گله اشراف دارد؛ یعنی اولین و آخرین گوسفند (آنکه از جلوی پنجره گذشته و آنکه هنوز به پنجره نرسیده را با هم می‌بیند).

خدا علم به وقایع دارد و واسع‌العلیم است؛

اما به ما اختیار داده تا خودمان انتخاب و عمل کنیم.

خدا به خاطر داشتن همین وسعت علم به وفاداری اهل بیت و نیز علم داشتن به مناسب بودن آنها برای آزمون بزرگ الهی آنها را انتخاب کرده است. در بخشی از دعا، خدا را برای سرگذشت اولیاءش شکر می‌کنیم که مفصل به شرح آن پرداختیم. در این جلسه از منظری دیگر به این امر می‌پردازیم. خدا یک شرط برای اولیاء خود قرار داده و در عوض آن هشت چیز به آنها می‌دهد.

سبک زندگی اهل بیتی

«بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا وَ زُخْرُفِهَا وَ زِبْرَجِهَا...»؛ شرط خدا رعایت زهد در درجات دنیا است؛ یعنی ما خدا را برای اولیاءش شکر می‌کنیم که در دنیا سبک زندگی خاصی داشتند. در واقع ما با این شکر، خودمان را در این سبک زندگی دخیل و علاقه‌مان به این سبک زندگی را اعلام می‌کنیم؛ یعنی اگر ما هم این سبک زندگی را داشته باشیم، آن هشت چیز به ما هم داده می‌شود؛

پس کسی که امام‌زمانی است باید سبک زندگی امام‌زمانی هم داشته باشد.

ما در ادعیه‌ی مختلف این همراهی با اهل بیت در دنیا و آخرت را می‌خواهیم. از جمله در زیارت عاشورا اینگونه می‌گوییم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ ما حتی در ادعیه از خدا می‌خواهیم که در حکومت اهل بیت حضور داشته باشیم؛ چون در حکومت اهل بیت به جایی رسیدن، یعنی آدم حسابی بودن، یعنی وزیر امام‌زمان در پیشگاه خدا، نفر دوم خلقت (در آن زمان) است. در دولت امام‌زمان اعضای کابینه‌ی امام‌زمان بهترین و با تقواترین مردم زمان هستند. در این صورت ما باید جوری زندگی کنیم که اگر ظهور را درک کردیم، حضرت ما را انتخاب کنند و اگر پیش از ظهور از دنیا رفتیم با رجعت برگردیم؛

پس کسی می‌تواند تقاضای رجعت کند که سبک زندگی امام‌زمانی داشته باشد

و این امر نیاز به تمرین دارد.

مدیریت آرزوها

نکته‌ی مهم دیگر این است که برای این امر باید آرزوها و رویاهای خود را مدیریت کنیم. ما در دعای ندبه بسیار در مورد زمان ظهور رویاپردازی می‌کنیم؛ پس باید در دنیا علایق و رویاهای خود را مدیریت کنیم. نباید دنیا، مال، خانواده و... اصل توجه و بزرگترین علاقه‌ی ما باشد. خدا در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی توبه کسانی که پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه و اموال و تجارت و خانه‌هایشان در نظرشان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است را فاسق می‌خواند.

امام و خدا، خود ما را می‌خواهد.

ما باید در این راه به توحید و بدون شریک بودن خدا برسیم؛ اما متأسفانه زندگی ما پُر از شرک است (پول، خانه، خانواده و...). چرا ما نگران نبودن امام‌زمان نیستیم و این دعا آین آین گفتن را به ما می‌آموزد؟ زیرا ما متمرکز و متوجه به دنیا هستیم و سبک زندگی مان امام‌زمانی نیست. پیامبر فرمود: «اگر دنیا نزد خدا به قدر بال پشه‌ای ارزش داشت، چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد.» (بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۵۲)

مالکیت‌های دنیا توهم است؛ اما ما غافلیم و مرگ، ما را متوجه این امر خواهد کرد.

به همین جهت امام‌علی فرمود: «مردم در خوابند، چون بمیرند بیدار می‌شوند.» (بحارالأنوار، ج ۴، ص ۴۳)

انگار خواب می‌دیدیم خانه و دارایی داشته‌ایم و فلانی ما را دوست داشته و...؛ اما با مرگ متوجه فقر و اشتباه خود می‌شویم. برای همین خدا می‌فرماید: «...برای آنچه از دست داده‌اید، تأسف

چند نکته‌ی قرآنی در مورد بحث

۱. مسئله‌ی اصلی، ایمان به مبنا نبودن دنیاست و اهل‌بیت بالاترین ایمان را به این امر داشتند که برای مأموریت الهی انتخاب شدند.
۲. اهل‌بیت فقط ایمان نداشتند؛ بلکه در عمل هم همواره پیشتاز و السابقون‌السابقون بودند و از سایرین پیشی گرفتند. این سنت خداست که اولین‌ها و خط‌شکن‌ها و پیشتازان در امر خیر را دوست دارد.
۳. اولیاء‌الله اهل هجرت و دل‌کندن‌اند. این ساده نیست و هر کسی نمی‌تواند به خاطر خدا مهاجرت کند. هجرت در راه خدا (در صورت لزوم و وجوب) آنقدر مهم است که خدا در آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی انفال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا»؛ «آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ‌گونه ولایت [دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند.»
۴. خدا پس از پذیرش خواست خود و پیشتازی اولیاء‌اش آنها را کمک و تجهیز می‌کند. خدا در آیه‌ی ۲۴۷ سوره‌ی بقره در هنگام صحبت در مورد طالوت به این موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید: «گفت: "خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد."»
۵. در پیشگاه خدا مجاهدین نسبت به سایرین و قاعدین و نشستگان برتری دارند: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً»؛ «خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر قاعدان [ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده.»

نعمات ویژه‌ی خدا به اولیاء

«فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَ الْوَسِيلَةَ إِلَيَّ رِضْوَانِكَ»؛ «و تو هم وفا نمودن به آن را از جانب آنان دانستی؛ پس قبولشان کردی و مقرب درگاهشان نمودی و برای آنان یاد والا و ثنای روشن پیش آوردی و فرشتگان را بر آنها فرو فرستادی و به وحیات بزرگشان داشتی و از دانشت به آنان عطا کردی و ایشان را دست‌آویز به سویت و وسیله به جانب

خشنودی‌ات قرار دادی...». خدا در عوض زهدِ اولیاء‌اش، هشت نعمت ویژه به آنها می‌دهند که عبارتند از:

۱. «فَقَبَلْتَهُمْ»؛ پس قبولشان کردی؛

۲. «وَقَرَّبْتَهُمْ»؛ قبولشان کردی و مقرب درگاهشان نمودی...؛

باید ببینیم حقیقت قرب چیست؟ ما یک قرب مکانی داریم و یک قرب رتبه‌ای. در دولت امام‌زمان قرب مکانی و رتبه‌ای یکی می‌شود؛ یعنی کسی که به امام‌زمان نزدیکتر است، رتبه‌ی بالاتری هم دارد. هرچه صفات‌الله بیشتر در ما تجلی پیدا کند، بیشتر به خدا نزدیک می‌شویم. قرب به خدا پایان ندارد و اهل‌بیت هم دائماً در حال شبیه‌تر شدن به خدا هستند. این دریافت فیض و رشد و علم حتی در بهشت هم ادامه دارد و در واقع اصل رشد در آنجاست. اهل‌بیت آینده‌ی تمام‌نمای خدا هستند؛ اما قرب آنها به خدا مانند بالا رفتنِ وضوحِ تصویرِ آینده‌ی وجود آنهاست.

۳. «وَقَدِّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ»؛ و برای آنان یاد والا و ثنای روشن پیش آوردی...؛

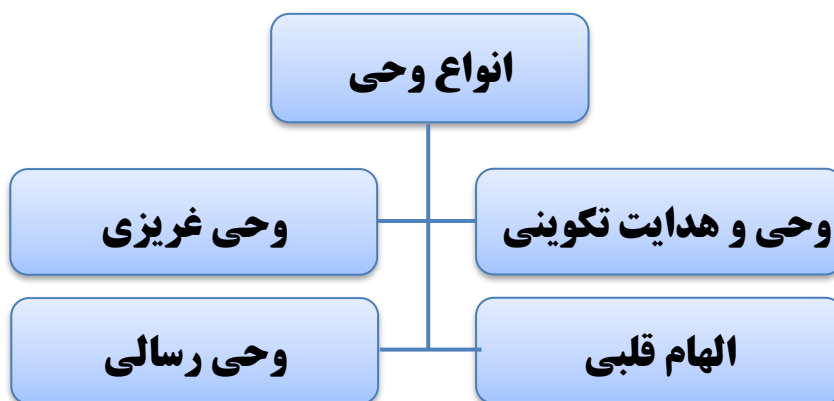
خدا اولیاء خود را بلندآوازه و نیک‌نام می‌کند. ثنایی که جلی و دست‌نیافتنی و از بین‌نرفتنی است. خدا نام حضرت ابراهیم را پُر آوازه کرد. اهل‌بیت هم، چنان به خوبی آوازه‌ی آفاق شدند که گاهی دشمنان هم زبان به ذکر خوبی آنها گشوده‌اند. در خوبی اهل‌بیت شک نیست؛ اما این بلندآوازه شدن برای اعتماد مردم لازم است.

۴. «وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ»؛ فرشتگانت را بر آنها فرو فرستادی...؛

یک معنی این بخش این است که ملائک برای فرد خبر می‌آورند، این مخصوص پیامبران است. اما منظور این دعا، هبوط ملائک بر پیامبران نیست و همه‌ی مفاهیم را در برمی‌گیرد؛ زیرا ما انواع وحی داریم و گاهی به انسان‌های دیگر هم وحی می‌شود. معنی واقعی این بخش این است که شما مورد تبعیت ملائک شدید؛ زیرا به میزانی که فردی در عبودیت خدا غرق و عبد خدا شود، ملائک تحت فرمان او قرار می‌گیرند. «أَسْجُدُوا لِأَدَمَ» یعنی همین؛ یعنی این سجده‌ی تبعیت بود. همه‌ی ملائک تحت فرمان اهل‌بیت‌اند و هرچه رتبه‌ی فردی پایینتر بیاید، ملائک کمتری از او تبعیت می‌کنند.

۵. «وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ»؛ به وحی‌ات بزرگشان داشتی...؛

وحی یعنی پیام سریع و سری. چه کسانی وحی را کامل دریافت می‌کنند؟ انسان‌های مخلص که شیطان بر آنها تسلط و تصرف ندارد.



✓ وحی و هدایت تکوینی

«بَانَ رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا»؛ «چراکه پروردگارت به او (زمین) وحی کرده است.» (زلزال / ۵)

✓ وحی غریزی

«وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا...»؛ «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین» (نحل / ۶۸)

یعنی برخی اطلاعات در دی‌ان‌ای زنبور و گیاهان و حیوانات دیگر گدگذاری شده است.

✓ الهام قلبی

در فارسی می‌گوییم به دلم افتاده. خدا این مورد را با مادر حضرت موسی مثال می‌زند: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ...»؛ «و به مادر موسی وحی (الهام) کردیم که...» (قصص / ۷)

✓ وحی رسالی

که با پیامبر تمام شد.

وحی شیطانی هم وجود دارد و گاهی شیطان برخی امور را به ما القاء می‌کند. آیا این اکرام در فراز مورد بحث به پیغمبری بر می‌گردد یا نوع انسان؟ به نوع انسان برمی‌گردد؛ زیرا خدا فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» وحی رسالی شامل ما نمی‌شود؛ اما می‌توانیم بقیه وحی‌ها را دریافت کنیم؛ یعنی لازمه‌ی این امر پیغمبری نیست؛ بلکه عبودیت است. حضرت زهرا نه پیغمبر بود و نه امام؛ اما مقامی بالاتر از بسیاری از پیامبران و امامان دارد؛ پس ما هم می‌توانیم به جایگاهی برسیم که ملائک گوش به فرمان ما شوند به شرطی که کرامت انسانی خود را حفظ کنیم و به درجات دنیا دل نبندیم. باید بفهمیم که ما در دنیا به دنبال شبیه شدن به خدا هستیم و دنیا محل گذر است و تنها آنچه نزد خداست، باقی است. ما نمی‌توانیم به جایگاه اهل بیت برسیم؛ اما

می‌توانیم بی‌نهایت به آنها شبیه و نزدیک شویم؛ پس باید سعی کنیم هرچه بیشتر به آنها شبیه شویم.

توهم مالکیت

گفتیم مالکیت‌های دنیا قراردادی و توهمی است. نشانه‌ی مالکیت آن است که ما نسبت به آن امر اختیار داریم. خدا برای اینکه به ما بفهماند در دنیا مالک هیچ چیز نیستیم، برخی از آنها را از ما می‌گیرد؛ مثلاً جوانی و زیبایی و قوت بدن را به تدریج از ما می‌گیرد تا متوجه این امر شویم. حالا برخی خودشان بدون امتحان و ابتلاء متوجه این امر می‌شوند و حتی اگر جانشان را در راه خدا بدهند، خود را طلبکار خدا نمی‌دانند؛ چون می‌دانند امانت را به صاحب اصلی برگردانده‌اند.

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه دهم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، مرداد ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.instagram.com/Mahdian)